

# ساخت حسینه

# جان مرد زندانی رانجات داد

**گروه حوادث- کامران علمدهی /**

پسر جوان که در یک درگیری خیابانی مرتکب قتل شده و به قصاص محکوم شده بود، با شرط اولیای دم مبنی بر ساخت یک حسینه از مجازات قصاص رهایی یافت.

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۴ با گزارش یک درگیری خونین در ورآمین آغاز شد وقتی مأموران پلیس به محل اعزام شدند در نخستین بررسی ها دریافتند که درگیری میان دو پسر جوان رخ داده و در جریان آن بهنام ۳۰ ساله با ضربات چاقو شاهرخ ۲۵ ساله را مجروح کرده است.

در ادامه شاهرخ به بیمارستان منتقل و بهنام نیز در محل بازداشت شد اما ساعاتی بعد کادر درمانی اعلام کردند که شاهرخ در اثر شدت جراحات وارده و خونریزی شدید

## دستبرد

## ۲۵ میلیارد ریالی به حساب صرافى

**گروه حوادث/** دو مرد کلاهبردار که از حساب

یک صرافى ۲۵ میلیارد ریال ارز دیجیتال سرقت کرده بودند از سوی پلیس فتای مشهد دستگیر شدند.

سرهنگ «احمد نگهبان» فرمانده انتظامی مشهد در تشریح این خبر بیان داشت: چندی قبل فردی با مراجعه به پلیس فتای مشهد از برداشت غیرمجاز ارز دیجیتال از حساب صرافى‌اش خبر داد و پیگیری موضوع در دستور کار کارشناس پلیس فتا قرار گرفت.

در بررسی اظهارات شاکى پرونده مشخص شد، زمانی که کارشناسان این صرافى در حال به روزرسانى زیرساخت سایت صرافى بودند فردى ناشناس به‌علت اختلال به وجود آمده از باگ و خلأ صرافى سوءاستفاده کرده و پس از دستیابی به امدین صرافى ۷۱ هزار و ۵۰۰ تتر به ارزش ۲۵ میلیارد ریال را به چند کیف پول دیجیتالی انتقال داده است.

فرمانده انتظامى مشهد تصریح کرد: کارشناسان پلیس فتا پس از بررسی‌های تخصصی و با اشراف اطلاعاتی، ۲ متهم این پرونده را شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی آنها رادستگیر کردند.

متهمان که ۲۹ و ۳۸ ساله هستند با اظهارات دروغین خود سعی در کتمان واقعیت و فریب کارشناسان پلیس فتا را داشتند اما در مواجهه با ادله و مستندات موجود به جرم خود اعتراف کردند و پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

تسلیم مرگ شده است.

با مرگ شاهرخ پرونده وارد فاز تازه‌ای شد و بهنام مورد بازجویی قرار گرفت و به درگیری خونین اعتراف کرد و گفت: در خیابان رد می‌شدم که سر موضوعی پیش پا افتاده با شاهرخ بحث‌مان شد و درگیر شدیم. من هم از شدت عصبانیت چند ضربه‌ای با چاقو به او زدم اما قصد کشتنش را نداشتم.

پس از اعترافات صریح متهم و تکمیل تحقیقات پرونده در سال ۹۶ برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه پدر و مادر مقتول به عنوان اولیای دم درخواست قصاص کردند.

پس از آن متهم به جایگاه رفت و در دفاع از خودش گفت: من قصد کشتن مقتول را نداشتم و فکر نمی‌کردم که

## شکار ارزگان

# باپراید نقره‌ای سر آشیز

**گروه حوادث- مرجان همایونی/** راننده زورگیر که سوار بر پراید نقره‌ای، به شکار زنان و دختران مسافر رفته و با تهدید چاقو اموال شان را سرقت می‌کرد، از سوی پلیس دستگیر شد.

به گزارش «ایران»، اوایل امسال خانم دکتر داروسازی از شرکت داروسازی‌اش در حکمیبه تهران بیرون آمد تا به خانه برود در همین موقع یک پراید نقره‌ای مقابل پایش ایستاد و خانم دکتر به تصور اینکه پراید مسافرکش است، سوار شد تا به سراه تهرانپارس برود. اما از آنجا که صندلی جلو شکسته بود او به ناچار در صندلی عقب و کنار مرد جوانی که فکر می‌کرد مسافر است، نشست.

**۳۰ دقیقه اسارت**

خودرو به راه افتاد و راننده وارد بزرگراه یاسینی شمال شد وقتی خانم دکتر اعتراض کرد که مسیر را اشتباه رفتی؛ ناگهان مرد جوانی که به‌عنوان مسافر سوار در خودرو بود قه‌های به سمت او گرفت و با زور سر زن جوان را زیر صندلی ماشین برد. او مقاومت کرد وقتی می‌خواست در را باز کند تازه متوجه شد درها پراید مثل تابوت فقط از بیرون باز می‌شود. شیشه‌ها نیز بالا بود و هیچ راهی برای کمک و فرار وجود نداشت. مردان خشن با تهدید، کارهای عابر بانک خانم دکتر را که ۱۵۰ میلیون تومان داخلش بود، رمز کارت‌ها، پول و گوشی تلفن همراهش را گرفتند و زن جوان را پس از ۳۰ دقیقه در کنار بزرگراه رها کردند.

با شکایت زن جوان، کارآگاهان اداره

■ چهارشنبه ۹ آذر ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۸۰۶۶



کنند. آنها به خانواده متهم اعلام کردند که اگر وی حسینه‌ای در یکی از محله‌های ورآمین بسازد حاضر به گذشت هستیم. متهم نیز با پذیرش این شرط توانست خود را از چوبه دار رها کند. بدین ترتیب با حضور در شعبه اجرای احکام صورجلسه‌ای را امضا و توافق کردند تا حسینه ساخته شود.

با شروع ساخت حسینه و رویت پی‌ریزی اولیه آن خانواده مقتول رضایت خود را اعلام کردند و متهم از قصاص رهایی یافت.

پس از آن متهم طبق ماده ۶۱۲ قانون



خوب بود، چند ماه قبل یک نیروی جدید به هلدینگ‌مان آمد و مدام زیر گوشم می‌خواند که درآمد این کار خوب نیست و بیا سرقت کنیم. آنقدر گفت تا من وسوسه شدم. نمی‌دانم شاید هم به خاطر هیجان بود شاید هم طمع کردم.

■ **نقشه سرقت‌ها چه بود؟**

گاهی من پشت فرمان می‌نشستم گاهی همدستم، دستگیره‌های داخل را از کار انداخته بودیم و صندلی جلورا هم به سمت داشبورد خم می‌کردیم که کسی نتواند روی صندلی جلو بنشیند.

خانم‌های جوانی را که تیپ و ظاهر خوبی داشتند انتخاب می‌کردیم. یک هفته تا ۱۰ روز آیین کار را انجام می‌دادیم بعد چند روز استراحت می‌کردیم و دوباره سرقت‌ها را شروع می‌کردیم. از ساعت ۶ بعد از

ظهر به بعد این کار را می‌کردیم و روزهای تعطیل هم کار نمی‌کردیم.
■ **چرا روزهای کاری سرقت می‌کردید؟**

چون ما خانم‌های کارمند را خفت می‌کردیم. وقتی می‌فهمیدند در دام ما گرفتار شده‌اند شروع به التماس می‌کردند اوایل عذاب وجدان می‌گرفتم ولی وقتی به پول‌هایی که نصیبم می‌شد فکر می‌کردم عذاب وجدان را فراموش می‌کردم.

■ **تا حالا خودت قربانی سرقت شده‌ای؟**

بله، نوجوان که بودم یک موتور ی خفتم کرد و گوشی تلفن همراهم را سرقت کرد.

■ **با پول‌های سرقتی چه می‌کردی؟**

لباس مارک می‌خریدم، یا خوراکی. آخر هفته‌ها رستوران‌های خوب می‌رفتم. پول‌ها را فقط خرج می‌کردم.



رسید. من نایغه و نخبه هستیم و فکرم خیلی خوب کار می‌کند. بچه بودم دوست داشتم خلیان شوم ولی الان سارقم.

■ **به چه اتهامی به زندان افتادی؟**

من دوبار به زندان افتادم آخرین بار ۷ سال زندان بودم. یکبار به‌خاطر سرقت و یکبار هم به‌خاطر آدم‌ربایی.

■ **چه کسی را ربوده بودی؟**

مأمور بدرقه‌ام را. به خاطر کیف‌قاپی افتادم زندان و از داخل زندان با دوستانم هماهنگ کردم که مرا فراری بدهند. طبعی نقشه روزی که به دادگاه رفته بودم، دوستانم مرا فراری دادند اما از آنجایی که دستم به دست مأمور بدرقه دستبند شده بود او را هم با خودمان بردیم. چند ساعت بعد با قفل دستبندی که برابم آورده بودند دستم را باز کردم و مأمور بدرقه را رها کردیم اما به اتهام آدم‌ربایی و فرار دو سال بعد دستگیر شدم.

# حوادث

### طلاق به خاطر دعوای مادر شوهر و مادرزن

**گروه حوادث/** دعوای قدیمی عروس و خواهر شوهر باعث شد تا زندگی دختر و پسرشان که با هم ازدواج کرده بودند نیز به درخواست طلاق منتهی شود. صبح یکی از روزهای سرد پاییزی صدای مشاجره دو زن میانسال توجه حاضران در دادگاه خانواده را به خود جلب کرده بود. کمی آن طرف‌تر نیز یک دختر و پسر جوان کنار هم ایستاده بودند و با حسرت و افسوس به آن دو زن نگاه می‌کردند. پس از چند ثانیه در حالی که برگه ابلاغیه در دست‌شان بود، وارد شعبه ۳۸ در طبقه دوم دادگاه شدند. به محض ورود به شعبه مدیر دفتر قاضی گفت فقط زوج و زوجه وارد اتاق شوند اما با اصرار دو زن میانسال که مادر عروس و داماد بودند، قاضی اجازه ورود به آنها را هم داد. قاضی عینک گرد با فریم قهوه‌ای رنگش را از چشم برداشت و گفت: متوجه این دادخواست نشدم ماجرا چیست؟ چرا دادخواست طلاق توافقی دادید؟ شما به نظر نمی‌رسد که خودتان بخواهید طلاق بگیرید ماجرا را تعریف کنید.

پسر جوان با نگاهی به همسرش بی‌تا گفت: چی بگم جناب قاضی من از بچگی دختر دایی‌ام بی‌تا را دوست داشتم اما دعواهای همیشگی بین زن برادر و خواهر شوهر زندگی ما را نابود کرد. مادر من با ازدواج ما مخالف بود و زن دایی‌ام هم همین‌طور اما وقتی اصرار ما را دیدند تسلیم شدند و ما ۵ ماه قبل ازدواج کردیم. در این مدت خودمان مشکلی با هم نداریم اما مادرانمان سال‌هاست با یکدیگر مشکل دارند و موضوع اصلی این است که اگر من و بیبتا از مدرمان حمایت نکنیم، زندگی‌مان سیاه است.

در همین موقع مادر بی‌تا گفت: آقای قاضی این آقا با مادرش همدست شده و دخترم را اذیت می‌کند. اصلاً او خیلی بچه است نباید ازدواج می‌کرد. دختر من اسیر اینها شده. آقای قاضی مادر این آقا چه حقی دارد که کلید خانه دختر من را داشته باشد و هر وقت دلش خواست به خانه آنها برود؟ با شنیدن این حرف ناگهان مادر داماد حرف او را قطع کرد و گفت: مگه خونه مال دختر شماس‌ت؟ اونجا خونه خومه و پسر من هم توی همون خونه زندگی می‌کنه.

مادر بی‌تا در جواب گفت: چرا مدام در همه کارهای دختر من دخالت می‌کنی؟ مگه اسیر آوردنی؟ اصلاً اگر شوهرش براش خونه مستقل بگیره من طلاقش را می‌گیرم.

در همین لحظه قاضی رو به بی‌تا کرد و گفت: دخترم صحبت‌های مادرت را تأیید می‌کنی؟

اما قبل از اینکه نوعروس حرفی بزند مادر داماد گفت: آقای قاضی مادرش دروغ می‌گوید او یک عمر برادر بیچاره من را عذاب داد او را حتی به خانه من کشش را می‌گیرد.

در همین لحظه قاضی رو به بی‌تا کرد و گفت: دخترم صحبت‌های مادرت را تأیید می‌کنی؟ اما قبل از اینکه نوعروس حرفی بزند مادر داماد گفت: آقای قاضی مادرش دروغ می‌گوید او یک عمر برادر بیچاره من را عذاب داد او را حتی به خانه من طلاقش را می‌گیرد.

در حالی که درگیری لفظی بین این دو مادر بالا گرفته بود، قاضی با عصبانیت دستور داد تا آنها را از اتاق بیرون کنند.

چند دقیقه‌ای سکوت حاکم بر جلسه بود بعد قاضی رو به زوج جوان کرد و گفت: می‌دانم که شما با هم مشکلی ندارید و این اختلاف‌ها را خانواده‌ها ایجاد کردند اما خودتان چه نظری دارید؟

بی‌تا گفت: جناب قاضی من شوهرم را دوست دارم اما او بیش از اندازه به خانواده‌اش وابسته است او با پدرش کار می‌کند و می‌ترسد که اگر از آنها جدا شود کارش را از دست بدهد من به خاطر او حاضر شدم در طبقه بالای خانه آنها زندگی کنم تا کنار پدر و مادرش باشد اما با این شرایطی که پیش آمده نمی‌توانم دیگر تحمل کنم و به شوهرم گفتم از آن خانه برویم، اما او قبول نمی‌کند و می‌ترسد با این کار خانواده‌اش او را طرد کنند.

قاضی پس از شنیدن صحبت‌های زوج جوان گفت: شما باید حتماً ۲ ماه به کلاس‌های مشاوره بروید حتماً خانواده‌هایتان را هم ببرید بلکه ریشه مشکلات شما پیدا شود و مشاوره بتواند کمک کند زندگی شما حفظ شود.

■ **امیرحسین صفدری / کارشناس حوزه خانواده**

نبود استقلال مالی، مسئولیت‌پذیری، دخالت‌های والدین، سن کم، تصمیم‌گیری‌های اشتباه و... از عوامل مهم طلاق در بین زوج‌های جوان است.در این پرونده مشاهده می‌کنید که پسر جوان چون استقلال کافی ندارد نمی‌تواند مسئولیت زندگی مشترک خودش را هم بپذیرد و همین مسأله باعث می‌شود که نتوانند برای زندگی مشترک خود تصمیم‌گیری کند و مجبور است از خانواده خودش حمایت کند و تن به خواسته‌های آنها بدهد وگرنه از حمایت مالی خانواده خارج می‌شود او باید بداند تا زمانی که استقلال مالی نداشته باشد این دخالت‌ها از سوی خانواده‌اش ادامه خواهد داشت و سبب مشکلات روحی و عاطفی بین او و همسرش می‌شود.

از طرف دیگر بی‌تا هم باید در گفت‌وگو با خانواده‌اش از آنها بخواهد که مشکلات‌شان را با خانواده داماد حل و گدشته را فراموش کنند این طوری از دخالت‌های بیجاى اطرافیان جلوگیری می‌شود و زندگی آنها هم تحت‌تأثیر این گذشته قرار نمی‌گیرد.

### قتل امام جماعت مسجد کوران

**گروه حوادث/** فرمانده انتظامی شهرستان مهرستان از قتل امام جماعت مسجد روستای کوران شهرستان مهرستان در استان سیستان و بلوچستان خبر داد.سرهنگ حسن ربهار در گفت وگو با خبرنگار پایگاه خبری پلیس بیان داشت: روز دوشنبه در پی اعلام گزارش به مرکز فوریت های پلیس ۱۱۰ مبنی بر وقوع قتل در روستای کوران از توابع شهرستان مهرستان بلافاصله مأموران انتظامی در محل وقوع جنایت حضور پیدا کردند و با یکپرسی جان کریم بخش سپاهی امام جماعت آن روستا مواجه شدند. در بررسی صحنه قتل سرخ‌حالی از عاملان جنایت به دست آمد و بررسی اولیه پیرامون این اتفاق نشان داده که علت قتل، اختلاف درون طایفه ای و در پی وقوع قتل دیگری در دو سال گذشته بوده که منجر به وقوع این جنایت شده است.

فرمانده انتظامی شهرستان مهرستان در پایان خاطر‌نشان کرد: با تشکیل تیم ویژه تلاش برای دستگیری عاملان این جنایت که هویت آنان مشخص شده است ادامه دارد.

### باجناق قاتل دستگیر شد

**گروه حوادث/** مرد جوان که با همدستی دو نفر نقشه قتل باجناقش را در نسیم شهر اجرا کرده بود دستگیر شد.

سرهنگ «محمدرضا علیزاده» فرمانده انتظامی بهارستان با اعلام این خبر اظهار داشت: طی گزارشی به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع قتل در نسیم شهر بهارستان بلافاصله مأموران انتظامی و تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند. بررسی‌های اولیه حاکی از این بود که در یک درگیری به دلیل اختلاف خانوادگی، قاتل با وارد آوردن ضربات چاقو اقدام به قتل باجناقش کرده واز محل متواری شده است.

فرمانده انتظامی شهرستان بهارستان با اعلام اینکه مقتول در بیمارستانی در سبز دشت فوت کرده، تصریح کرد: مأموران با کار اطلاعاتی قاتل را طی یک عملیات پس از هماهنگی با مقام قضایی در مخفیگاهش دستگیر کردند. وی در تحقیقات پلیس پس از مواجهه با شواهد و مدارک به قتل باجناق خود با همدستی دو نفر دیگر اعتراف و انگیزه خود را اختلافات خانوادگی عنوان کرد.

وی خاطر‌نشان کرد: متهمان پس از تکمیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شدند.